

بررسی تأثیر فراز و فرود قدرت خان‌های بختیاری در تحولات سیاسی و اجتماعی ایالت فارس (۱۳۲۷-۱۳۳۱ق)

مسعود شفیعی سروستانی*، محمدرضا علم

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز؛ استاد گروه تاریخ، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۹/۰۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۱/۱۷)

Study of the impact of the power ups and downs of the Bakhtiari Khans on political and social developments of Fars state (1909-1913 AD)

Masoud Shafiei Sarvestani, Mohammad reza Alam

PhD student, history of Iran, Shahid Chamran University of Ahvaz;

Professor of History Department, Shahid Chamran University of Ahvaz

Received: (2019. 11. 24)

Accepted: (2020. 04. 05)

Abstract

After the conquest of Tehran, Bakhtiari Khans have achieved the highest levels of state and executive power from the position of tribal leaders for the first time. Achieving Bakhtiari Khans to power in second constitutional governments was accompanied by ups and downs that had effects across the country, especially in the Fars province. What effect did Bakhtiari Khans's power fluctuation have on the developments and events in Fars during the years 1909 lunar until 1913 lunar? This is a question that is described and explained based on new sources and documents and with descriptive and analytical method in this research. An examination of this issue reveals that the position and conditions of Bakhtiari Khans in the second constitutional governments directly influenced the equations of power and political and social conditions of the Fars province. Their one-sided interference and positioning caused instability, increased tensions and clashes between the political forces and, as a result, it was the ground for intervention and presence of British forces in Fars. Finally, with the power decline of Bakhtiari khans in the government, it was returned the relative calm and balance of power among the political forces to Fars.

Keywords: Bakhtiari, Sardar Asad, Samsam al-Saltanah, Solat al-Dawlah, Fars, Qashqai, Qavam al-Molk.

چکیده

پس از فتح تهران، برای نخستین بار خان‌های بختیاری از جایگاه رهبران ایل، به عالی‌ترین مراتب قدرت اجرایی و دولتی دست یافتند. رسیدن خان‌های بختیاری به قدرت در دولت‌های پس از مشروطه دوم با فراز و فرودهایی همراه بود که تأثیرات و پیامدهایی در سراسر کشور به‌ویژه در ایالت فارس داشت. در این پژوهش بر آن هستیم که با تکیه بر منابع و اسناد و با روش توصیفی، تحلیلی و اسنادی، به این پرسش پاسخ دهیم که: نوسان قدرت خان‌های بختیاری چه تأثیری بر روند تحولات و رویدادهای ایالت فارس طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ق داشت؟ فرضیه اصلی در این پژوهش این است که موقعیت خان‌های بختیاری در دولت‌های مشروطه دوم به‌عنوان متغیری مؤثر، بر معادلات قدرت و شرایط سیاسی و اجتماعی فارس تأثیر گذاشت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویدادهای فارس طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ق به‌شدت تحت تأثیر دخالت خان‌های بختیاری بود که سبب بی‌ثباتی و درگیری میان نیروهای سیاسی و در نتیجه آن ورود نیروهای انگلیس به ایالت فارس شد. سرانجام با افول قدرت خان‌های بختیاری در دولت، آرامش نسبی و توازن قدرت به ایالت فارس بازگشت.

کلیدواژه‌ها: بختیاری، سردار اسعد، صمصام‌السلطنه، صولت‌الدوله، فارس، قشقایی، قوام‌الملک.

* Corresponding Author: masoud.shafiee4365@gmail.com
mralam36@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

موجب بروز زد و خوردهای طولانی میان طرفین می‌شد. با به‌قدرت رسیدن خان‌های بختیاری در بالاترین جایگاه‌ها پس از فتح تهران، فرصت برای تضعیف رقیب سنتی ایل بختیاری، یعنی قشقایی‌ها فراهم شد. افزایش دخالت خان‌های بختیاری در معادلات و مناسبات فارس طی مشروطه دوم به‌عنوان متغیری مؤثر، زمینه‌ساز بسیاری از حوادث شد. این موضوع با وجود اهمیت، تاکنون به‌طور دقیق بررسی نشده است. در پژوهش حاضر درصدد هستیم که با روش توصیفی، تحلیلی و اسنادی به پرسش: موقعیت و جایگاه سیاسی خان‌های بختیاری طی مشروطه دوم چه تأثیری بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایالت فارس داشت؟ پاسخ دهیم. همچنین فرضیه: نوسان قدرت خان‌های بختیاری، مستقیماً معادلات قدرت و شرایط سیاسی و اجتماعی فارس را تحت تأثیر قرار داد، را تحلیل و ارزیابی کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این زمینه آثاری به شکل کتاب و مقاله نگاشته شده است. پیر ابرلینگ در کتاب *کوچ‌نشینان قشقایی فارس*، منصور نصیری طیبی در مقاله‌ای با عنوان «زندگی سیاسی صولت‌الدوله (دوران مشروطیت)» و نیز کتاب *ایالت فارس و قدرت‌های خارجی و محمدعلی رنجبر در کتاب فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول* (مجموعه اسناد) هرکدام به جنبه‌هایی از موضوع پرداخته‌اند. به این ترتیب تاکنون پژوهشی مستقل و منسجم در خصوص تأثیر فراز و فرود و نوسان قدرت رهبران بختیاری در تحولات فارس انجام نگرفته است. پژوهش حاضر

در دوره قاجار ایالت فارس به‌عنوان بخش گسترده‌ای از نواحی جنوبی کشور، موقعیت حساس سیاسی و اقتصادی داشت و به‌دلیل اهمیت، معمولاً به دست شاهزادگان شاخص اداره می‌شد. همچنین به‌دلیل دسترسی به راه‌های دریایی و مهم‌ترین خطوط تجاری، همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلیسی‌ها قرار داشت. رویکرد انگلیسی‌ها به‌عنوان کنشگرانی فعال در بخش‌های جنوبی، پس از قرارداد ۱۹۰۷م دچار تغییر و چرخش اساسی شد. آنان درصدد بودند تا حضور و نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را در منطقه بی‌طرف، به‌ویژه خلیج فارس و پس‌کرانه‌های آن تقویت کنند.

از سوی دیگر، در جریان جنبش‌های تنباکو و مشروطیت نیروهای سیاسی فارس از جمله علما، تجار، بازاریان و دیگر طبقات شهری به‌عنوان کنشگرانی فعال به‌صحنه آمده و نقش‌آفرینی کردند. ایالت فارس نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین ایالت عشایر-نشین کشور حائز اهمیت بود. گروه‌های قومی، به‌ویژه دو اتحادیه ایلی قشقایی و خمسه، به‌عنوان کنشگرانی فعال همواره در بیشتر تحولات و رویدادهای این ایالت نقش داشتند.

ایل بختیاری از بزرگ‌ترین گروه‌های ایلی کشور است که در نواحی زاگرس مرکزی و بخش‌هایی از خوزستان پراکنده شده و در مرزهای جنوبی با ایالات قشقایی هم‌مرز و همسایه است. بروز اختلافات ملکی و رقابت‌های ایلی، همواره در هنگام بی‌لایق ایل قشقایی اوج می‌گرفت و زمینه درگیری میان دو اتحادیه ایلی قشقایی و بختیاری را پدید می‌آورد که

به این ترتیب خان‌های بختیاری بر بخش‌های عمده‌ای از مناطق مرکزی و جنوبی کشور حکومت می‌کردند و بر این مناطق نفوذ فوق‌العاده‌ای داشتند. حضور خان‌های بختیاری در عالی‌ترین مناصب قدرت، به‌طور محسوسی بر رویدادهای فارس تأثیر گذاشت و موجب تغییر در روند تحولات آن گردید.

۳-۱. گماردن حکام بی‌کفایت و افزایش ناامنی

در فارس

به‌قدرت‌رسیدن خان‌های بختیاری پس از مشروطه دوم از سوی نیروهای سیاسی فارس، با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. اسماعیل‌خان صولت‌الدوله، ایلخان قشقایی، به‌عنوان رقیب دیرینه بختیاری‌ها به‌همراه دیگر نیروهای مشروطه‌خواه فارس، از جمله آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، از شرایط جدید نگران و ناراضی بودند اما قوامی‌ها به‌عنوان یگانه متحد بختیاری‌ها در ایالت فارس راضی و خشنود بودند.

بلافاصله پس از فتح تهران، آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، صولت‌الدوله و رهبران مشروطه‌خواه شیراز، نخستین زورآزمایی را در برابر قدرت سران بختیاری در ایالت فارس نشان دادند. سرداراسعد بختیاری، وزیر داخله، علاءالدوله را به حکمرانی فارس معرفی کرد. انتخاب علاءالدوله به‌سبب نزدیکی به قوامی‌ها، با واکنش و مخالفت شدید صولت‌الدوله و رهبران مشروطه‌خواه فارس روبه‌رو شد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۳/۶۵۳).

صولت‌الدوله با همراهی آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری به‌منظور اعلام مخالفت با حکمرانی علاءالدوله، ده‌هزار نفر تفنگچی را به‌سوی شیراز گسیل کرد. هشدار انگلیسی‌ها و نگرانی دولت از سقوط شیراز،

در صدد است با استناد به منابع متنوع از جمله اسناد، خاطرات، مطبوعات و نسخه‌های خطی، به‌طور همه‌جانبه تأثیر و پیامد مستقیم نوسان قدرت خان‌های بختیاری بر رویدادهای فارس را بررسی کند که از این حیث بر آثار پیشین برتری دارد. تمرکز بر تأثیر تغییرات سیاسی در ساختار دولت در روند تحولات فارس و تبیین واکنش نیروهای سیاسی این ایالت نیز از جنبه‌های نوآورانه پژوهش حاضر است.

۳. نخستین مرحله قدرت خان‌های بختیاری و تأثیر

آن در فارس

پس از فتح تهران، خان‌ها و نیروهای بختیاری به‌پاس نقشی که در بازگشت مشروطه داشتند، به مناصب و موقعیت‌های ویژه‌ای دست یافتند. شاخص‌ترین چهره بختیاری‌ها، علی‌قلی‌خان سرداراسعد بود که ابتدا به‌مدت ده‌ماه به‌مقام وزارت داخله رسید و سپس به‌مدت چهارماه وزارت جنگ را برعهده گرفت. سرداراسعد پس از آن به‌نماینده‌گی مجلس رسید و در ساختار حاکمیت، نفوذ و اقتدار ویژه‌ای یافت. دیگر خان‌های بختیاری نیز به حکومت برخی ایالت‌ها و شهرهای بزرگ از جمله اصفهان دست یافتند. نیروهای بختیاری که در تصرف تهران نقش داشتند، به‌عنوان نیروی نظامی دولت در این شهر ماندند و موقعیت ممتازی یافتند.

سرداراسعد بختیاری و دیگر خان‌های بختیاری در موقعیت جدید، ملاحظات ایلی و خانوادگی را بر منافع ملی ترجیح می‌دادند و همین رویکرد موجب شد که نیروهای سیاسی و ایلی در بخش‌های مرکزی و جنوبی کشور در برابر آنان واکنش نشان دهند.

با کندی روبه‌رو کرد و موجب نارضایتی تجار و بازرگانان شد. نارضایتی گسترده مردم شیراز نسبت به عملکرد سهام‌الدوله، با حمایت نمایندگان فارس در مجلس، همراه شد. آنان در اعتراض به عملکرد سهام‌الدوله و رعایت نکردن بی‌طرفی خواستار برکناری، محاکمه و مجازات او شدند (مذاکرات مجلس دوم، جلسه ۴۳، ۱۳ محرم ۱۳۲۸ق).

سرانجام در پی افزایش نارضایتی عمومی و هجوم ناگهانی معترضان به ارگ حکومتی، سهام‌الدوله شبانه از شیراز فرار کرد و پس از چند روز برکنار و روانه تهران شد (استخر، ۱۳۸۸: ۹۲).

پس از آن، با پافشاری سرداراسعد، ظفرالسلطنه، که شاهزاده‌ای بدنام در حکومت کرمان بود، به حکمرانی فارس منصوب شد. ظفرالسلطنه در آغاز با استقبال باشکوه و تشریفات ویژه قوامی‌ها وارد شیراز شد. او بلافاصله پس از ورود با انتخاب نصرالدوله، فرزند قوام‌الملک سوم، به ریاست قشون فارس آشکارا وابستگی خود را به قوامی‌ها نشان داد (تاریخ حب‌الوطن، ۱۸۲؛ حکمت، ۱۳۷۹: ۱/ ۹۸).

برخلاف انتظار عمومی، ظفرالسلطنه رفتاری مستبدانه داشت. او با مشروطه‌خواهان شیراز برخورد مناسبی نداشت و طی دو ماه حکمرانی، خشونت و استبداد بی‌سابقه‌ای را از خود نشان داد. ظفرالسلطنه به‌منظور نشان‌دادن اقتدار، تعدادی از اشرار را دستگیر و در انظار عمومی به‌سختی مجازات کرد (حبل‌المتین کلکته: ش ۲، ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸، ۲). او در ادامه با تحریک سرداراسعد، زمینه اختلاف و دودستگی را در میان خان‌ها و کلانتران ایل قشقایی به وجود آورد. سرداراسعد برخلاف پیمان صلحی که در آستانه فتح تهران با صولت‌الدوله بسته

سرانجام دولت مرکزی را ناچار کرد از اعزام علاءالدوله منصرف شود؛ به‌این‌ترتیب، صولت‌الدوله در نخستین رویارویی با سرداراسعد بختیاری به پیروزی رسید (ابریلینگ، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۳).

سرداراسعد پس از ناکامی در اعزام علاءالدوله و با گذشت دوماه از فتح تهران، سهام‌الدوله را به حکمرانی فارس منصوب کرد. انتخاب سهام‌الدوله به حکمرانی فارس، که تجربه و سابقه چندانی در پذیرش مسئولیت‌های کلان اداری نداشت، موجب شگفتی و اعتراض برخی از صاحب‌نظران شد. حتی برخی انتخاب سهام‌الدوله و واگذاری برخی امور کلان ایالت به پسران قوام‌الملک را «اوج وقاحت و خیانت» دانستند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۴۲۴، ۵۰۲). هدف بختیاری‌ها از انتخاب سهام‌الدوله این بود که با تقویت قوامی‌ها، موقعیت و پایگاه خود را در ایالت فارس گسترش دهند.

سهام‌الدوله در نخستین گام تلاش کرد تا ضمن سامان‌دهی اداره‌های فارس، برای برقراری نظم و امنیت اقدام کند؛ اما تندروی و خشونت او موجب افزایش نارضایتی و ترس و وحشت عمومی شد و حکومت پنج‌ماهه او نتیجه‌ای جز افزایش ناامنی و بی‌ثباتی نداشت (استخر، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰). به‌زودی سهام‌الدوله اعتبار خود را در افکار عمومی از دست داد و عملکردش موجب تمسخرکردن وی از سوی مردم شد (یادداشت‌های معین دفتر، ۱۷۷).

صولت‌الدوله که از ابتدا با انتخاب سهام‌الدوله موافق نبود، به‌دلیل بی‌اعتنایی و بهانه‌جویی‌های سهام‌الدوله انگیزه کافی برای برقراری امنیت در راه تجاری شیراز- بوشهر نداشت؛ به‌همین دلیل افزایش ناامنی در این راه، عبور و مرور کاروان‌های تجاری را

حکومت فارس تعیین شد (تاریخ حب‌الوطن، ۲۰۵).

۲-۳. تغییر راه شاهی به جره، نماد قدرت طلبی

صولت‌الدوله

در دوره قاجار دو راه، بندر بوشهر را به شیراز و از آنجا به نواحی داخلی کشور مرتبط می‌کرد. مسیر اصلی بوشهر به شیراز به‌عنوان راه شاهی شهرت داشت. این راه که از بوشهر آغاز می‌شد، با گذر از مسیر دشت و مناطق سخت‌گذر کوهستانی به شیراز می‌رسید. راه شاهی به‌عنوان مهم‌ترین گذرگاه ورود کالاهای انگلیسی به داخل ایران به‌شمار می‌رفت و به‌همین دلیل حفظ و تأمین امنیت این راه برای کاروان‌های تجاری داخلی و خارجی اهمیت ویژه داشت. از سوی دیگر، عبور خطوط اصلی تلگراف در مسیر راه شاهی، محور اصلی عبور کاروان‌های پستی و نیز وجود کاروان‌سراها بین راه، بر اهمیت این جاده می‌افزود و به‌همین سبب این راه همواره تحت پوشش شرکت‌های بیمه‌ای خارجی بود.

دومین مسیر میان بوشهر و شیراز، راه فرعی بود که به نام جره، راه فیروزآباد و یا راه ترکی معروف شد. این جاده با گذر از تنگستان، فراشند و بلوک جره به شیراز می‌رسید. راه جره هموارتر، اما مسیرش طولانی‌تر بود و از مناطق گرمسیر ایل قشقایی عبور می‌کرد که درواقع حوزه اصلی تسلط ایلخان قشقایی بود. این راه به‌دلیل عدم استفاده دائمی مسافران، امکانات بین‌راهی مانند کاروان‌سرا، خطوط تلگراف و به‌تبع آن امنیت کافی نداشت و به همین دلایل تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گرفت (رسولی، ۱۳۹۵: ۴۶).

برقراری و تضمین امنیت در مسیر راه شاهی به‌طور سنتی برعهده ایلخان قشقایی بود. پس از فتح

بود، پس از تثبیت قدرت، در پی آن بود که صولت‌الدوله را از مقام ایلخانی برکنار و برادر ناتنی‌اش، سرداراحتشام، را به ایلخانی قشقایی منصوب کند؛ اما به‌دنبال شکست سخت سرداراحتشام در رویارویی با صولت‌الدوله، نقشه سرداراسعد ناکام ماند (ابریلینگ، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۲؛ گارثویت، ۱۳۷۳: ۲۹۷-۲۹۸).

بی‌کفایتی و خشونت ظفرالسلطنه در اداره امور، موجب گسترش اعتراض و ناراضی عمومی شد. او که در کنترل اوضاع ناتوان بود، ناچار شد از حکومت کناره‌گیری کند. دو ماه حکمرانی ضعیف ظفرالسلطنه نتیجه‌ای جز گسترش ناامنی در راه‌ها و بروز بحران‌های اجتماعی نداشت.

به‌این ترتیب ایالت فارس در نخستین ماه‌های پس از فتح تهران، به‌دلیل دخالت‌های سرداراسعد دچار بی‌ثباتی و ناامنی شد. گزارش‌های دیگر در این زمان بیانگر وخامت اوضاع اجتماعی فارس است. بازتاب اوضاع نابسامان فارس موجب اعتراض و واکنش صریح نمایندگان فارس در مجلس دوم شد. حاجی‌آقای شیرازی، از چهره‌های سرشناس جریان اعتدالیون مجلس، در سخنانی رفتار و عملکرد ظفرالسلطنه را مشابه رفتارهای دوره چنگیز دانست. او بی‌پرده تمام مشکلات فارس را ناشی از دخالت خان‌های بختیاری، به‌ویژه سرداراسعد، دانست و مصرانه از وی خواست تا در امور فارس دخالت نکند (مذاکرات مجلس دوم، جلسه ۱۴۴، ۱۳ رمضان ۱۳۲۸ق). برخلاف درخواست نمایندگان و افکار عمومی فارس مبنی بر اعزام حکمران جدید و بی‌طرف، پس از چندماه تأخیر با دخالت مستقیم سرداراسعد، میرزا حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک چهارم که به‌تازگی از حکومت کرمان برکنار شده بود، به نیابت

راه شاهی را به وضعیت قبلی بازگرداند؛ بنابراین دوباره این مسیر به‌عنوان محور اصلی تجارت جنوب فعال شد و صولت‌الدوله امنیت آن را تضمین و تأمین کرد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۵ / ۹۷۸-۹۷۹).

۳-۳. تشکیل اتحادیه سرداران جنوب واکنشی

در برابر بختیاری‌ها

رسیدن خان‌های بختیاری به عالی‌ترین سطوح قدرت پس از فتح تهران، رهبران ایلات جنوب را ناخشنود کرد و به واکنش واداشت. احساس خطر و نگرانی از قدرت نوظهور بختیاری‌ها، نخستین بار صولت‌الدوله، سرسخت‌ترین رقیب آنان را، به میدان آورد. او ابتدا با فرستادن نماینده‌ای با هدف دیدار و مذاکره با شیخ‌خزعل، مقدمات کار را برای ایجاد اتحادیه‌ای بر ضد بختیاری‌ها فراهم کرد. در این شرایط اختلاف میان شیخ خزعل و خان‌های بختیاری به اوج خود رسیده بود. هم‌زمان با این ابتکار، خان‌های دشتی و دشتستان اعلام کردند که تمایل دارند در برابر قدرت خان‌های بختیاری ائتلافی تشکیل دهند و در این راه درصدد جلب همکاری صولت‌الدوله بودند (زنگنه، ۱۳۸۶: ۲۲۱-۲۲۲؛ ابرلینگ، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

به‌دنبال مذاکرات و مکاتبات متعدد میان رؤسای قبایل و سرداران جنوب، سرانجام در ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ با انتشار اعلامیه‌ای موجودیت اتحاد سرداران جنوب اعلام شد. متن اعلامیه سرداران جنوب با امضای صولت‌الدوله، شیخ خزعل و سردار ارفع (پشت کوه لرستان) رسمیت یافت. صولت‌الدوله که نقش اساسی در شکل‌گیری این اتحادیه داشت، مصمم بود تا به این وسیله جبهه واحدی را در برابر

تهران، سرداراسعد بختیاری به‌دلیل کینه قدیمی و رقابت ایلی، به‌دنبال حذف و انزوای صولت‌الدوله بود. صولت‌الدوله در واکنش به موضع بختیاری‌ها، مسیر تجاری راه شاهی را به راه جره تغییر داد و امنیت آن را تضمین کرد. پیامد فوری این اقدام، افزایش ناامنی در راه شاهی و کاهش رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری در این مسیر بود. به‌زودی تعداد زیادی از قاطرچی‌ها راه شاهی را رها کردند و در راه‌های یزد و رشت مشغول به کار شدند. نتیجه طبیعی این شرایط، افزایش کرایه حمل‌ونقل کالا بود، به‌طوری‌که در رمضان ۱۳۲۷ تقریباً هیچ کاروان بزرگی از شیراز به بوشهر نیامد و فقط از راه جره رفت‌وآمد می‌کردند. در این مقطع زمانی، افزایش هزینه حمل‌ونقل نیز بازرگانان را با مشکل جدی روبه‌رو کرد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۳ / ۶۵۶).

با بسته شدن راه شاهی به دست ایلخان قشقایی، کاروان‌های تجاری ناچار شدند در مسیر جره عبور و مرور کنند. از سوی دیگر قشقایی‌ها با دست‌اندازی به سیم‌های تلگراف، موجب قطع طولانی خطوط تلگراف شدند. تشدید ناامنی در راه شاهی، کاروان‌های تجاری را ناگزیر کرد که راه جره را انتخاب کنند (زنگنه، ۱۳۸۶: ۲۰۴؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۴ / ۷۵۸).

انگیزه اصلی صولت‌الدوله از تغییر راه، اعلام آشکار مخالفت با نفوذ و اقتدار بختیاری‌ها بود. او سعی داشت اقتدار خود را در برابر بختیاری‌ها به رخ کشیده و با مانور قدرت، در برابر مداخله بختیاری‌ها در جنوب واکنش نشان دهد. سرانجام در ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۸ق، به‌دنبال کاهش قدرت و نفوذ بختیاری‌ها در بدنه دولت، صولت‌الدوله پذیرفت که

انگلیسی‌ها پس از آگاهی از پیمان اتحاد سه‌گانه به سرعت واکنش نشان دادند. آنان با هشدار سخت به شیخ‌خزعل او را از ادامه همکاری با این پیمان بازداشتند. سرانجام عدم پابندی عملی صولت‌الدوله موجب فروپاشی این پیمان شد. نکته جالب آنکه با شروع ضعف اتحاد سه‌گانه، دوباره کوکب بختیاری‌ها در صحنه قدرت سیاسی اوج گرفت (ابرینگ، ۱۳۹۳: ۱۰۰؛ حبل‌المتین کلکته: ش ۶۶، ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰، ۹).

۳-۴. بازگشت قوامی‌ها به قدرت با حمایت

بختیاری‌ها

یکی از آشکارترین پیامدها و تأثیرات حضور بختیاری‌ها در دولت‌های مشروطه دوم، تلاش آنان در جهت تقویت قوامی‌ها در ایالت فارس بود. محمدرضاخان قوام‌الملک سوم و پسرانش، در جریان انقلاب مشروطیت فارس در جبهه مخالفت با مشروطه‌خواهان قرار داشتند و به‌عنوان کانون استبداد محلی شناخته شدند. قوام‌الملک سوم پس از دو نوبت تبعید، سرانجام به دست جوانی مشروطه‌خواه ترور شد و پسرانش به اروپا تبعید شدند. در دوران تبعید، حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک و برادرش، نصرالدوله، در پاریس با سرداراسعد آشنا شدند و از آن پس زمینه دوستی و اتحاد قوامی‌ها و خان‌های بختیاری فراهم شد (استخر، ۱۳۸۸: ۹۵).

پس از فتح تهران، حداقل انتظار مشروطه‌خواهان فارس از دولت این بود که فرزندان قوام‌الملک به‌عنوان آمران شهادت رهبران مشروطه فارس و مسببان اصلی قتل‌عام و غارت شهر لار، محاکمه و مجازات شوند؛ اما در عین شگفتی بلافاصله پس از رسیدن سرداراسعد به وزارت داخله، ابتدا

پیشرفت قدرت خان‌های بختیاری و احیاناً دست‌اندازی آنان به مناطق جنوبی پدید آورد (حبل‌المتین کلکته: ش ۲۹، ۲۱ محرم ۱۳۲۹، ۵).

خان‌های جنوب از اینکه بختیاری‌ها در نتیجه مشروطه قدرتمند شده و با برانداختن قاجاریه خود جانشین آنان شوند، بسیار اندیشناک بودند. آنان پیوسته به نمایندگان خود در تهران سفارش می‌کردند که مراقبت کامل به عمل آورند که مبادا بختیاری‌ها از ضعف سلاطین قاجار سوءاستفاده و تاج‌وتخت کیانی را تصاحب کنند (ویلسن، ۱۳۱۰: ۱۸۵-۱۸۴).

هرچند به‌ظاهر هدف از تشکیل اتحادیه جنوب، حفاظت از مجلس شورای ملی اعلام شد؛ اما در واقع هدف اصلی آن کنترل و مهار قدرت بختیاری‌ها بود. شکل‌گیری اتحاد سرداران جنوب در کوتاه‌مدت، موجب ناکامی سردار اسعد در رسیدن به مقام نیابت سلطنت و ایجاد بحران‌های پی‌درپی در تشکیل کابینه شد (گارثویت، ۱۳۷۳: ۲۷۹؛ کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۱۰۶/۴). از سوی دیگر، تشکیل اتحاد سه‌گانه بیم و نگرانی بختیاری‌ها را از به‌خطر افتادن موقعیت جدیدشان در پی داشت. آنان در واکنش به شکل‌گیری این اتحادیه، چاره کار را در پشتیبانی از خاندان قوام‌الملک به‌عنوان تنها متحد و نماینده خود در جنوب دیدند.

اتحاد سرداران جنوب به‌طور مستقیم منافع انگلیسی‌ها را تهدید می‌کرد؛ زیرا تبدیل قشقایی‌ها از یک قدرت محلی محدود به یک قدرت فرامحلی و منطقه‌ای، تهدیدی جدی برای منافع دولت بریتانیا به حساب می‌آمد. همچنین سیاست انگلیسی‌ها ایجاب می‌کرد که برای پاسداری از میدان‌های نفتی، از افزایش دشمنی میان بختیاری‌ها و شیخ‌خزعل جلوگیری کنند (نصیری طیبی، ۱۳۸۴: ۳۱).

در ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ / ۱۰ شوال ۱۳۲۸ گستاخانه با تسلیم یادداشتی به دولت ایران هشدار داد که اگر طی سه ماه آینده در جاده‌های فارس امنیت برقرار نشود، دولت انگلیس برای برقراری امنیت در راه‌های جنوب، اقدام به گسیل نیروی نظامی می‌کند (استادوخ، کارتن ۲۸، پرونده ۱؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۹۴۸/۴).

انتشار خبر اولتیماتوم انگلیس، به سرعت در داخل و خارج بازتاب پیدا کرد. علما و مراجع نجف به‌طور هماهنگ نسبت به اولتیماتوم اعتراض کردند. در واکنش به اولتیماتوم، دولت سپهدار پس از مدتی تعلل، با هدف برقراری نظم و آرامش در فارس، رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه را به حکمرانی فارس برگزید و درصدد تشکیل نیروی ژاندارمری برآمد (تاریخ حب‌الوطن، ۲۶۸).

هم‌زمان با بحران اولتیماتوم انگلیس و گسترش بی‌ثباتی در سراسر فارس، رویداد حمله به محله یهودیان شیراز در ۲۶ شوال ۱۳۲۸ ایالت فارس را دوباره گرفتار بحران تازه‌ای کرد. شایعه ساختگی کشته‌شدن دختری مسلمان به دست یهودیان، بهانه‌ای شد که به‌سبب آن گروهی به محله یهودیان تاختند. یورش ناگهانی عده‌ای به این محله موجب کشتار، غارت و خسارت کم‌سابقه‌ای شد که به سرعت در مطبوعات داخلی و خارجی بازتاب یافت و به شدت محکوم شد. هرچند قوامی‌ها سعی کردند تفنگچیان قشقای را عامل این حادثه معرفی کنند؛ اما بررسی دقیق داده‌های موجود نشان می‌دهد که سربازان و عوامل نصرالدوله، رئیس قشون فارس، عامل اصلی این رویداد بودند. تلگراف شدیدالحن وزیر داخله خطاب به قوام‌الملک، به‌روشنی بر نقش قوامی‌ها در

حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک چهارم به حکومت کرمان و سپس برادرش، نصرالدوله، به ریاست قشون فارس برگزیده شد. کمی بعد، به دنبال تشکیل اتحاد سرداران جنوب، سرداراسعد در واکنش به این اتحاد در اول شعبان ۱۳۲۸، قوام‌الملک چهارم را به نیابت حکومت فارس تعیین کرد که به شدت با اعتراض رهبران مشروطه‌خواه فارس روبه‌رو شد. صولت‌الدوله در واکنش به این انتخاب اعلام کرد که از این پس سرداراسعد را به‌عنوان وزیر داخله قبول ندارد (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۲؛ روزنامه مجلس، ش ۱۰، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸، ۳).

اعلام نیابت حکومت قوام‌الملک، با خشم و اعتراض عمومی روبرو شد. به‌زودی سیل پیام‌ها و تلگراف‌های اعتراض‌آمیز گروه‌های مشروطه‌خواه فارس به تهران سرازیر شد. حاجی‌آقا شیرازی، نماینده فارس، نیز ضمن اعتراض صریح به دخالت خان‌های بختیاری در مسائل فارس، سرداراسعد را به‌عنوان عامل اصلی بحران‌های داخلی فارس معرفی کرد و او را به باد انتقاد گرفت (مذکرات مجلس دوم، جلسه ۱۴۴، ۱۳ رمضان ۱۳۲۸).

ناتوانی قوام‌الملک چهارم و برادرش در برقراری نظم و امنیت موجب شد که راه‌های اصلی تجاری جنوب دچار اغتشاش و ناامنی و خطوط تلگراف آن بارها قطع شود (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۹۴۱-۹۴۴). انگلیسی‌ها که پس از اشغال نواحی شمالی به دست روس‌ها به دنبال بهانه بودند، با افزایش ناامنی در راه‌های جنوب، با صدور اولتیماتومی دولت ایران را تهدید کردند. وزیرمختار انگلیس، سر جرج بارکلی^۱،

۱. Sir George Barclay

مستوفی‌الممالک را ناچار به کناره‌گیری کرد. پس از او، سپهدار برای دومین بار مأمور تشکیل کابینه شد (صفایی، ۱۳۴۶: ۲۴۰). به این ترتیب با تغییر شرایط سیاسی، ستاره اقبال بختیاری‌ها رو به افول نهاد. اینک جناح حزبی سرداراسعد (دمکرات‌ها) از صحنه سیاسی حذف و زمینه برای تقویت مخالفان آنها فراهم شد. تضعیف موقعیت بختیاری‌ها در دولت نیز بر شرایط سیاسی و اجتماعی فارس تأثیر گذاشت.

۴-۱. بازگشت دوباره صولت‌الدوله به قدرت

با تضعیف موقعیت بختیاری‌ها، دولت سپهدار برای برقراری امنیت در راه‌های تجاری جنوب و رفع بهانه انگلیسی‌ها، دست به دامن صولت‌الدوله شد. صولت‌الدوله دوباره مسئولیت برقراری امنیت در جاده‌ها و گشایش راه شاهی را پذیرفت (استادوخ، کارتن ۲۸، پرونده ۱؛ ساکما، سند شناسه ۱۸۰۵۷/۲۴۰).

همگام با دولت، مراجع نجف و علمای بوشهر طی مکاتباتی از صولت‌الدوله خواستند تا برای رفع بهانه انگلیسی‌ها، امنیت راه‌های جنوب را تضمین کند. او ضمن گشایش راه شاهی، برای برقراری نظم و امنیت در راه‌ها تلاش کرد (روزنامه مجلس: ش ۳۱، ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، ۴).

با برقراری امنیت در راه شاهی، عبور و مرور کاروان‌های تجاری آغاز شد و دوباره جاده‌های تجاری رونق گرفت. دولت نیز در جهت تقویت صولت‌الدوله، دویست سوار و مقداری تجهیزات برای او فرستاد و وزارت مالیه در حمایت از او اجازه داد تفنگ و فشنگ‌های او، بدون پرداخت عوارض گمرکی، از بندر بوشهر ترخیص شود (ساکما، سند شناسه ۱۸۰۵۷/۲۴۰؛ ایران‌نو: ش ۴۳،

این بحران تأکید دارد (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۲؛ وثوقی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

البته می‌توان این فرض را مدنظر داشت که انگلیسی‌ها نقشه حمله به محله یهودیان شیراز را طراحی و عوامل قوام‌الملک آن را اجرا کردند تا به بهانه فقدان امنیت در ایالت فارس، اقدام به ورود نیروهای نظامی خود به این ایالت کنند.

۴. کاهش مقطعی قدرت خان‌های بختیاری و پیامد آن در فارس

پس از استعفای سپهدار در نیمه رجب ۱۳۲۸، چهارده ماه حضور خان‌های بختیاری در کابینه پایان یافت؛ اما در حکومت پنج‌ماهه مستوفی‌الممالک همچنان نفوذ آنان در ارکان قدرت ادامه داشت. سرداراسعد پس از پایان وزارت، چندماه به‌عنوان نماینده وارد مجلس شد و در دولت مستوفی‌الممالک هم نفوذ کامل داشت. دولت مستوفی‌الممالک که رابطه نزدیکی با بختیاری‌ها داشت، برای خلع سلاح مجاهدین از نیروهای بختیاری استفاده کرد. در ورای این اقدام، اعمال نفوذ سرداراسعد برای حذف جناح مقابل (اعتدالیون) دیده می‌شد. عملیات خلع سلاح مجاهدین در پارک اتابک، موجب خشم و تنفر نسبت به بختیاری‌ها و به‌ویژه سرداراسعد شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۳ / ۱۰۲-۱۰۳؛ ناصرالملک، ۱۳۸۰: ۴۳).

علاوه بر این، رفتار استبدادی فرمانروایان بختیاری در بیشتر شهرها و ایالات با نارضایتی عمومی روبه‌رو شد و مردم خواستار حاکمی غیربختیاری بودند. در این شرایط (نیمه رمضان ۱۳۲۸) مرگ عضدالملک و انتخاب ناصرالملک از حزب اعتدالیون، موقعیت سرداراسعد را تضعیف و

۸ ذی‌حجه ۱۳۲۸، ۲).

سردار ارفع و صولت‌الدوله قرار گرفت (زنگنه، ۱۳۸۶: ۲۵۳). او پس از ورود به بوشهر، اقدامات گسترده‌ای را برای برقراری نظم و امنیت در نواحی جنوبی شروع کرد و در مدت سه ماه توانست آرامش و امنیت را به این مناطق بازگرداند.

نظام‌السلطنه به‌همراه خود حدود هزار نفر از نیروهای خشتی و دالکی را برای برقراری امنیت به شیراز آورد. وی بلافاصله پس از ورود به شیراز به تثبیت موقعیت خود پرداخت و برای کنترل امنیت در اطراف شیراز و تعقیب راهزنان محلی، صاحب‌منصبی را به فرماندهی دو‌یست نفر تعیین کرد. بدین ترتیب اقدامات اولیه نظام‌السلطنه، امنیت را به شیراز بازگرداند (یادگار جنوب: ش ۱۷، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ۴). گروه‌های مختلف شیراز، به‌ویژه علما، انجمن اسلامی و انجمن ابالتی، از نظام‌السلطنه حمایت و پشتیبانی و با ارسال تلگراف‌های متعدد به دولت و مجلس، از اقدامات وی در برقراری امنیت تمجید کردند (نصیری طیبی، ۱۳۸۹: ۹-۱۱).

برخلاف صولت‌الدوله که از آغاز با نظام‌السلطنه همراه شد، قوام‌الملک و برادرش به‌دلیل نارضایتی از انتصاب نظام‌السلطنه تمایلی به همکاری با وی نداشتند؛ البته ریشه دشمنی قوامی‌ها با نظام‌السلطنه به درگیری‌های قوام‌الملک سوم با حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه، حکمران فارس در جریان مشروطیت، بازمی‌گشت. قوام‌الملک چهارم به‌ظاهر با نظام‌السلطنه اعلام همکاری کرد؛ اما به‌طور پنهانی با سردار اسعد و بختیاری‌ها ارتباط داشت و منتظر فرصت مناسب برای ضربه‌زدن به نظام‌السلطنه بود (تاریخ حب‌الوطن، ۲۷۶؛ میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۵۱).

با تلاش صولت‌الدوله و حمایت دولت، دوباره امنیت نسبی به جنوب بازگشت. وزارت داخله ضمن اعلام رسمی بازگشایی جاده شیراز- بوشهر، تأیید کرد که پس از آنکه صولت‌الدوله مسئولیت برقراری امنیت در راه شاهی را پذیرفت، کاروان‌ها در کمال امنیت و آرامش در این راه‌ها رفت‌وآمد می‌کنند. به‌این‌ترتیب، با رفع بهانه انگلیسی‌ها، موقتاً تهدید اشغال جنوب رفع شد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۴/ ۹۷۲؛ استادوخ، کارتن ۲۸، پرونده ۲۷).

تأثیر تضعیف جایگاه رهبران بختیاری و کاهش نفوذ آنان در دولت، بر وضع سیاسی ایالت فارس به روشنی دیده می‌شود. بازگشت توازن قدرت میان نیروهای سیاسی فارس و برقراری امنیت و آرامش نسبی نتیجه این تغییر بود.

۴-۲. انتخاب نظام‌السلطنه به حکمرانی فارس

پیامد دیگر تضعیف موقعیت بختیاری‌ها، تقویت جایگاه مخالفان آنان در ارکان دولت بود. دولت مستوفی‌الممالک در اواخر عمر دولت خود، رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه را، که در حکمرانی کرمانشاه کفایت خود را نشان داده بود، برای اداره فارس مأمور کرد. انتخاب نظام‌السلطنه به حکومت فارس، نشان داد که موضع بختیاری‌ها در دولت ضعیف شده است. پشتیبانی دولت سپهدار از نظام‌السلطنه، موجب ناخشنودی سردار اسعد نسبت به دولت و ناصرالملک شد (ناصرالملک، ۱۳۸۰: ۴۸). نظام‌السلطنه در مأموریت جدید، به همکاری و پشتیبانی سرداران جنوب امید داشت. وی در مسیر حرکت خود مورد استقبال شایان شیخ خزعل،

ارتباط رئیس‌الوزرا را بازخواست کرد (مذاکرات مجلس دوم، جلسه ۲۳۸، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹).

سرداراسعد به عنوان سرسخت‌ترین حامی خاندان قوام‌الملک، در واکنش به بازداشت آنان، سفر خود را به اروپا لغو کرد و ضمن درخواست عزل نظام‌السلطنه، تهدید کرد که اگر آنها آزاد نشوند با پیوستن به مخالفان موجب سقوط دولت می‌شود. دولت نیز از ترس واکنش بختیاری‌ها، از مجازات پسران قوام‌الملک صرف‌نظر کرد و در موضعی انفعالی تصمیم گرفت قوامی‌ها را به اروپا تبعید کند (هدایت، ۱۳۶۳: ۳۰۵). درحالی‌که مشروطه‌خواهان شیراز مصرانه بر محاکمه و مجازات قوامی‌ها پای می‌فشردند، وزارت داخله با ارسال پیامی نظر دولت مبنی بر تبعید قوامی‌ها را رسماً اعلام کرد (میرزا- ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

نظام‌السلطنه با اکراه ناچار به تبعیت از حکم دولت بود. سرانجام در ۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، قوامی‌ها به‌همراه تعدادی تفنگچی به‌سوی بوشهر فرستاده شدند. آنان در نزدیکی خانه‌زنیان، با حمله چند تفنگچی قشقایی روبه‌رو شدند و نصرالدوله به قتل رسید. حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک که از معرکه نجات یافت خود را به شیراز رساند و با هماهنگی لقاءالدوله، همسرش، به کنسولگری انگلیس پناهنده شد (ستخر، ۱۳۸۸، ۱۰۶؛ مرادی خلج، ۱۳۹۷: ۴۹).

کشته‌شدن نصرالدوله و پناهندگی قوام‌الملک در کنسولگری انگلیس، زمینه شروع بحران بزرگی بود که درگیری پنج‌ماهه شیراز از جمله پیامدهای آن بود. با پناهندگی قوام‌الملک در کنسولخانه، رویارویی دو جبهه رقیب در فارس شدت گرفت و با دوقطبی‌شدن شیراز، برای نخستین‌بار این شهر صحنه جنگی خونین و پرخسارت شد. هرچند در

به فاصله سه روز پس از ورود نظام‌السلطنه در تنگ سعدی شیراز، گروهی از سارقان به قافله بزرگی دستبرد زدند و آن را غارت کردند. قرائن نشان می‌داد که محرک این حادثه قوامی‌ها بودند. آنان می‌خواستند نفوذ و اقتدار خود را نشان داده و تلویحاً اعلام کنند که نظام‌السلطنه بدون تکیه به آنان نمی‌تواند امنیت را در ایالت برقرار کند (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۴۸).

در پی حادثه تنگ سعدی، نظام‌السلطنه نصرالدوله را مأمور تعقیب سارقان کرد؛ اما او عمداً در انجام مأموریت تعلل و کوتاهی نمود (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۰۷۷). سرانجام بازگرداندن اموال سرقت‌شده بدون دستگیری سارقان، این واقعت را برای نظام‌السلطنه روشن کرد که ادامه حکومت وی در فارس با کارشکنی و ناسازگاری قوامی‌ها ممکن نیست (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۵۱)؛ بنابراین نظام‌السلطنه بدون تأخیر قوام‌الملک چهارم و برادرش، نصرالدوله، را در اقدامی غافل‌گیرانه در ارگ حکومتی بازداشت و زندانی کرد. او با فرستادن تلگرافی به دولت، دلیل اقدام خود را جلوگیری از کارشکنی و نقش آنان در ایجاد ناامنی و بحران‌سازی اعلام کرد (یادگار جنوب: ش ۱۷، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ۸).

قاطعیت نظام‌السلطنه در دستگیری قوام‌الملک و برادرش، با استقبال علمای شیراز و گروه‌های مشروطه‌خواه روبه‌رو شد. برخی گروه‌ها ضمن تلگراف‌ها و اجتماعاتی خواستار محاکمه سریع و مجازات قاطع آنان شدند (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۲۷۶). سید ابراهیم مدرس، نماینده فارس در مجلس، ضمن حمایت از بازداشت قوامی‌ها خواستار مجازات و بازگرداندن اموال غارت‌شده اهالی لار شد و در این

دادند (نیر، ۱۳۸۱: ۱۴۳). هم‌زمان، سرازیر شدن سیل تلگراف‌ها از سوی هواداران دو طرف موجب سردرگمی دولت شد.

پشتیبانی خان‌های بختیاری از جبهه قوامی‌ها، سبب بی‌اثر شدن اقدامات نظام‌السلطنه شد. از سوی دیگر، تلاش‌های آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی برای میانجی‌گری میان طرفین بی‌نتیجه ماند (تاریخ حب‌الوطن، ۳۲۴). در شرایطی که با تقویت و استقرار تفنگچیان، در دو جبهه درگیر نوعی توازن قوا به وجود آمده بود. در این زمان بروز تغییرات در دولت و بازگشت دوباره خان‌های بختیاری به قدرت، موازنه قوا در شیراز را به نفع جبهه قوامی تغییر داد.

۵. بازگشت دوباره بختیاری‌ها به قدرت و پیامد آن

در فارس

ورود محمدعلی میرزا و برادرانش به خاک ایران با هدف رسیدن به تاج و تخت، به شدت ناصرالملک (نایب‌السلطنه) را نگران کرد. او چاره‌ای ندید جز آنکه بختیاری‌ها را دوباره به صحنه آورد و از نیروی آنها برای دفع خطر محمدعلی میرزا استفاده کند. به این ترتیب ناصرالملک در ۲۹ رجب ۱۳۲۹، نجف‌قلی خان صمصام‌السلطنه را به ریاست وزرا و سردار محتشم بختیاری را به وزارت جنگ تعیین کرد و طی پیامی از سردار اسعد دلجویی و او را برای بازگشت به ایران دعوت کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۱۳-۲۱۴).

ضرورت برخورد با تهدید محمدعلی میرزا فرصتی فراهم کرد که خان‌های بختیاری را دوباره از انزوای سیاسی به سپهر قدرت بازگرداند. پیامد فوری

گذشته درگیری‌های ایلی به صورت پراکنده و مقطعی در نواحی دور از شیراز رخ می‌داد؛ اما اینک شهر شیراز میدان جنگ و گریز دو جبهه رقیب شده بود. در این شرایط بحرانی، خان‌های بختیاری با هدف تضعیف موقعیت نظام‌السلطنه، در اقدامی تاکتیکی از در دوستی و سازش با صولت‌الدوله برآمدند که بلافاصله نظام‌السلطنه طی نامه‌ای به صولت‌الدوله، نسبت به عواقب اتحاد با بختیاری‌ها هشدار داد (ساکما، سند شناسه ۷۱۱۲ / ۲۹۶)

در جنگ خانگی شیراز لقاءالدوله، همسر قوام‌الملک، و پسرش، میرزا ابراهیم‌خان، رهبری جبهه قوامی‌ها را در برابر نظام‌السلطنه برعهده گرفتند. در نخستین گام، لقاءالدوله با فرستادن تلگرافی به سردار اسعد از او استمداد طلبید (نصیری طیبی، ۱۳۸۹: ۲۸). سردار اسعد و صمصام‌السلطنه آشکارا با حمایت از جبهه قوامی، آنان را به برپایی اجتماع علیه نظام‌السلطنه در حرم سیدعلاءالدین حسین ترغیب کردند. بنابراین دو رهبر شاخص بختیاری، به طور مستقیم در دسته‌بندی‌های شیراز وارد و روند تحولات را به نفع قوامی‌ها کنترل و مدیریت کردند. دخالت و تأثیر همزمان رهبران بختیاری و انگلیسی‌ها به عنوان دو متغیر بیرونی در مناقشات داخلی فارس، موجب شکل‌گیری شدیدترین درگیری و بحران شهری در شیراز شد.

در بحران جدید، شیراز حالت جنگی پیدا کرد. بام‌های شرق شیراز به مرکزیت حرم سیدعلاءالدین حسین سنگر هواداران قوام‌الملک و بخش‌های غربی شهر به مرکزیت حرم شاهچراغ، سنگر تفنگچیان حکومتی و قشقای بود. دو جبهه مخالف، شب و روز یکدیگر را آماج آتش گلوله و تیراندازی قرار

جبهه قوامی‌ها شدت گرفت. هم‌زمان ورود پنج‌هزار نفر از تفنگچیان ایل خمسه، موجب تقویت جبهه قوامی‌ها شد و آتش جنگ شهری را در دو سوی شرقی و غربی شیراز شعله‌ور کرد (میرزاابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۲۳۴-۲۳۵). در حین نبرد پرتلفات شیراز، صمصام‌السلطنه با فرستادن تلگراف محرمانه به رئیس قشون فارس از وی خواست که از دخالت نیروهای دولتی در این جنگ ممانعت کند. از سوی دیگر، وی در تلگراف به قوام‌الملک به او اطمینان داد که از هیچ نوع مساعدت و پشتیبانی از وی دریغ نمی‌کند (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۶ / ۱۴۷۱).

تأخیر و ورود دیر هنگام صولت‌الدوله در پایان رمضان ۱۳۲۹ و پیوستن به جبهه نظام‌السلطنه، نتوانست معادلات نظامی موجود را تغییر دهد. سرانجام با پیشروی نیروهای قوامی و عقب‌نشینی خانه‌به‌خانه نیروهای نظام‌السلطنه و قشایی، جنگ شیراز با شکست نظام‌السلطنه و پیروزی قوامی‌ها پایان گرفت (همان: ۵ / ۱۲۲۱-۱۲۲۳). سرانجام موضع مشترک بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها به هدف خود رسید و نظام‌السلطنه برکنار و میرزا حبیب‌الله خان قوام‌الملک پس از پنج‌ماه پناهندگی در کنسولگری انگلیس به نیابت حکومت فارس تعیین شد.

کاوش و بررسی دقیق رویدادهای شیراز روشن می‌کند که اقدام هماهنگ خان‌های بختیاری و انگلیسی‌ها در جانب‌داری آشکار از قوامی‌ها و رویارویی با نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله، موجب چرخش اوضاع فارس به نفع قوامی‌ها شد. از آن پس، قوام‌الملک چهارم، به پاس همکاری انگلیسی‌ها در پناه‌دادن او در کنسول‌خانه، به‌عنوان متحدی وفادار در خدمت آنان قرار گرفت و در مقابل، صولت‌الدوله به چهره‌ای ضد انگلیسی تبدیل شد.

این شرایط در ایالت فارس، چرخش اوضاع به نفع قوامی‌ها و به ضرر نظام‌السلطنه و متحد اصلی او، صولت‌الدوله، بود. هرچند در آغاز، بیشتر توجه کابینه بختیاری‌ها معطوف به رویارویی با محمدعلی میرزا بود؛ اما آنان هم‌زمان به مسائل فارس توجه کردند و با دخالت در جریان حوادث، به آتش جنگ خانگی در شیراز دامن زدند.

۱-۵. دخالت خان‌های بختیاری در حوادث

فارس و تشدید بحران

با تشکیل دولت بختیاری، قوامی‌ها انگیزه و امیدشان به ادامه درگیری با نظام‌السلطنه بیشتر شد. لقاءالدوله با فرستادن نامه‌هایی خطاب به کلانتران ایل خمسه از آنان خواست که تفنگچیان خود را به شیراز گسیل دارند. او پیشاپیش با فرستادن پول و تجهیزات، آنان را آماده ورود به کارزار شیراز کرد (یادداشت‌های معین دفتر، ۱۵۹؛ حکمت، ۱۳۷۹: ۱ / ۶۰۵).

صمصام‌السلطنه، رئیس‌الوزرا، پس از شکست محمدعلی میرزا و برادرانش موقعیت برتری پیدا کرد. او به‌جای آرام‌کردن طرفین، با جانب‌داری آشکار از قوامی‌ها بر وخامت اوضاع شیراز افزود. صمصام‌السلطنه از طریق سیم تلگراف انگلیس، روزانه لقاءالدوله را تشجیع و به ادامه درگیری علیه نظام‌السلطنه تشویق می‌کرد و وعده داد که به‌زودی نظام‌السلطنه برکنار می‌شود (استادوخ، کارتن ۲۹، پرونده ۴۵؛ اتحادیه، ۱۳۷۹: ۹۸).

با پشتیبانی یک‌طرفه رهبران بختیاری از قوامی‌ها، بحران شیراز روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شد. زد و خورد میان دو جبهه درگیر شیراز در شعبان و رمضان ۱۳۲۹، با افزایش آتش توپخانه دولتی بر خانه‌ها و

درگیری‌های محلی در ایالت فارس شد. همچنین در جریان جنگ، به کشتزارها و محصولات زراعی و دامی در اطراف شیراز آسیب وارد شد که کاهش شدید مواد غذایی از پیامدهای آن بود (استخر، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

پیامد دیگر بحران شیراز آن بود که انگلیسی‌ها با ادعای فقدان امنیت و تهدید منافع و جان اتباع انگلیسی، طرح خود را برای ورود نیروهای نظامی به ایالت فارس عملی ساختند.

۲-۵. قوام‌الملک فرمانروای واقعی فارس

یک روز پس از خروج نظام‌السلطنه و اردوی قشقایی از شیراز، قوام‌الملک پیروزمندانه از کنسولگری انگلیس خارج شد و اداره امور فارس را به دست گرفت. پس از مدت کوتاهی، قوام‌الملک تلگرافی از سوی صمصام‌السلطنه و قوام‌السلطنه، وزیر داخله، دریافت کرد که در آن مسئولیت فارس با اختیارات کامل بر عهده او گذاشته شد. همچنین مبلغ پنجاه هزار تومان برای تقویت نیروهای ایل خمسه برای او فرستاده شد (دمورینی، ۱۳۷۵: ۶۳).

در اعتراض به حاکمیت دوباره قوام‌الملک، گروهی از علما و رهبران مشروطه‌خواه شیراز از ترس تعرض و خشونت عوامل قوام فرار و گروهی به‌طور دسته‌جمعی شیراز را ترک کردند و برای مدت چندماه، به‌عنوان زیارت، راهی سفر به عتبات شدند (روزنامه استخر: ش ۱۷۷۹، ۱ خرداد ۱۳۳۸، ۴).

۳-۵. برکناری صولت‌الدوله و افزایش تنش در

فارس

با پیروزی قوام‌الملک و فرمانروایی او در فارس،

در بررسی و تحلیل دلایل شکست نظام‌السلطنه و پیروزی جبهه قوامی‌ها در درگیری‌های شیراز، چند عامل مؤثر بود. مهم‌ترین عامل مؤثر، دخالت و پشتیبانی مستقیم خان‌های بختیاری در دولت، به‌ویژه صمصام‌السلطنه از قوامی‌ها بود. دستور محرمانه رئیس‌الوزرا به رئیس قشون فارس، مبنی بر دخالت‌نکردن در جنگ، بیشترین تأثیر را در شکست نظام‌السلطنه داشت؛ البته در برابر تسلط و آشنایی نیروهای جبهه قوامی با جنگ شهری، ناآشنایی قشقای‌ها در این خصوص و همچنین ناآشنایی تفنگچیان خشتی با فضاهای شهری را می‌توان در شکست نیروهای نظام‌السلطنه مؤثر دانست.

در تحلیل نهایی، این نکته قابل‌تأکید است که صمصام‌السلطنه در مواجهه با بحران شیراز، به‌جای تلاش برای آرام‌کردن اوضاع، با جانب‌داری آشکار از جبهه قوامی‌ها و تضعیف حکمران ایالتی (نظام‌السلطنه) به آتش جنگ و درگیری در شیراز دامن زد.

در بررسی دقیق آثار و پیامدهای جنگ شیراز باید یادآور شد که این جنگ خسارات و تلفات سنگینی را به جا گذاشت و آثار سوء آن تا سال‌های متمادی بر جای ماند. براساس روایت کتاب آبی، در این جنگ خانگی حدود ۴۶۰ نفر کشته و نزدیک به ۵۰۰۰ نفر زخمی شدند که به تعبیری بیش از دو برابر تلفاتی است که در طول درگیری‌های مربوط به فتح تهران رخ داد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۶/۶، ۱۴۷۹).

بروز خسارات و تلفات گسترده، به‌همراه عمیق‌ترشدن اختلافات میان افراد و گروه‌ها و بروز کینه و دشمنی میان گروه‌های محلی از پیامدهای حوادث شیراز بود که موجب یک سلسله تنش و

هزار تومان وجه نقد و مقداری تجهیزات و فشنگ از او حمایت کرد (رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

قوام‌الملک با سازماندهی و تجهیز نیروهایی از طوایف ناراضی قشقایی و ایلات خمسه در منطقه سیاخ، واقع در غرب شیراز، با صولت‌الدوله درگیر شد. صولت‌الدوله که توان مقاومت نداشت، پس از شکست، تا فیروزآباد عقب‌نشینی کرد. نیروهای مشترک قوام‌الملک و سرداراحتشام، صولت‌الدوله را تا فیروزآباد و سپس قیروکارزین وادار به عقب‌نشینی کردند (استخر، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰).

نبرد سیاخ ضربه سختی به نیروها و موقعیت صولت‌الدوله وارد کرد و در این نبرد جمعی کشته و عده‌ای زخمی شدند. این جنگ موجب تشدید اختلاف و گسستگی میان طوایف ایل قشقایی شد. بلافاصله وزارت داخله، ضمن تقدیر از قوام‌الملک و سرداراحتشام در شکست صولت‌الدوله، دستور ادامه تعقیب و گریز صولت‌الدوله را تا دستگیری وی صادر کرد (رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۱۴).

به این ترتیب، با همکاری مشترک بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها، بحران شیراز به نفع قوام‌الملک پایان یافت و نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله از صحنه سیاسی حذف شدند. پس از آن در طول پانزده ماه حکمرانی قوام‌الملک، ایالت فارس میدان حضور و دخالت بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها گردید.

۴-۵. تحریم، بزرگ‌ترین دفاع ایرانی در برابر

ورود نیروهای انگلیس

کابینه بختیاری‌ها تحت فشار انگلیسی‌ها قرارداد ۱۹۰۷ م را پذیرفت و به اجرای آن گردن نهاد. پس از آن انگلیسی‌ها در صدد بودند تا منطقه بی‌طرف را به اشغال خود درآورند. با تثبیت موقعیت قوام‌الملک

به شدت موقعیت صولت‌الدوله آسیب دید. قوام‌الملک که با پشتیبانی انگلیسی‌ها به فرمانروایی فارس رسیده بود، به عنوان متحد اصلی بختیاری‌ها و نماینده آنان در فارس عمل می‌کرد. دولت بختیاری که فرصت را برای ضربه‌زدن به موقعیت صولت‌الدوله مناسب دید، با صدور حکمی، وی را از مقام ایلخانی برکنار و برادرش، سرداراحتشام، را به ایلخانی قشقایی منصوب کرد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۳۷۶-۱۳۷۸/۶).

علاوه بر این، بختیاری‌ها با ایجاد هماهنگی میان سرداراحتشام، قوام‌الملک و گروهی از کلانتران ایل خمسه و قشقایی، جبهه‌ای متحد در برابر صولت‌الدوله تشکیل دادند تا با رویارویی با صولت‌الدوله، او را به طور قطعی از صحنه قدرت و سیاست فارس حذف کنند (همان: ۱۲۶۹).

صولت‌الدوله در واکنش به شرایط جدید، ابتدا به جره و سپس به فیروزآباد رفت و تلاش کرد با سازماندهی نیروهای خود آماده رویارویی با جبهه جدید شود. او با استفاده از کوچ زمستانی ایل، موجب آشوب و اغتشاش در سراسر منطقه تحت نفوذ خود شد. افزایش ناامنی در راه‌ها، قطع سیم‌های تلگراف و واردکردن خسارت‌های جدی به تیرهای تلگراف، سرانجام موجب بسته‌شدن راه‌های ارتباطی فارس شد (دمورینی، ۱۳۷۵: ۳۶۴).

قوام‌الملک چهارم، پس از تثبیت موقعیت خود در شیراز، به دستور صمصام‌السلطنه در تدارک تعقیب و سرکوبی صولت‌الدوله بود. او با فرستادن جاسوسانی عملکرد و تحرکات صولت‌الدوله را زیر نظر گرفت و برای مقابله با او از وزارت داخله درخواست کمک‌های مالی و تجهیزات نظامی کرد. بر این اساس، وزارت داخله با ارسال مبلغ بیست

حکم تحریم، قوام‌الملک با دورویی تمام طی تلگراف‌های رمزی به وزارت داخله، خواستار تبعید آیت‌الله محلاتی به عتبات شد (ترکمان، ۱۳۷۰: ۲۸۶). انگلیسی‌ها که در نتیجه تحریم برای تأمین مایحتاج خود در شیراز در مانده شده بودند، از طریق سفیر و وزیر خارجه انگلیس، دولت ایران را تحت فشار قرار دادند تا مشکل را حل کند. سرانجام دولت و وزارت خارجه در موضعی انفعالی به شدت با تحریم مخالفت کردند. آیت‌الله محلاتی که از چند جهت، به‌ویژه از سوی دولت، تحت فشار قرار گرفت، ناچار شد حکم تحریم را لغو کند (همان: ۳۲۶). با لغو تحریم، نیروهای انگلیس به حضور خود ادامه دادند و خروج خود را مشروط به تشکیل نیروی ژاندارمری اعلام کردند.

به‌این ترتیب، خان‌های بختیاری به‌ویژه صمصام‌السلطنه، بدون توجه به اصول نظام مشروطه و توجه به منافع ملی و با نگاهی صرفاً ایلی و شخصی، با دامن‌زدن به اختلافات و کشمکش‌های داخلی در شیراز، زمینه و دستاویز لازم را برای حضور و اشغالگری نیروهای انگلیسی فراهم و مناطق جنوبی را با بحران جدی روبه‌رو کردند.

۶. پایان قدرت بختیاری‌ها و پیامد آن در فارس

هم‌زمان با پایان درگیری‌های شیراز، در تهران مسئله اولتیماتوم روسیه مطرح شد. در کشمکش میان دولت و مجلس بر سر پذیرش یا ایستادگی در برابر اولتیماتوم، سرانجام صمصام‌السلطنه اولتیماتوم را پذیرفت و در دوم محرم ۱۳۳۰ مجلس را منحل کرد. پذیرش اولتیماتوم و تعطیلی مجلس موجب شد که مردم، دولت بختیاری را خائن و همدست بیگانه

و کنارزدن صولت‌الدوله از قدرت، انگلیسی‌ها به-دنبال بهانه بودند تا هم‌زمان با اشغال نواحی شمالی توسط روس‌ها، نیروهای خود را به ایالت فارس اعزام کنند. آنان به‌بهانه افزایش ناامنی در راه‌های جنوب و تهدید جان و مال اتباع انگلیس، حدود سیصد نفر از نیروهای نظامی خود را از هند به بوشهر و سپس شیراز وارد کردند. بلافاصله نمایندگان فارس در مجلس به‌همراه بازاریان، در واکنش به حضور انگلیسی‌ها با طرح شعار «یا مرگ یا استقلال» از آیت‌الله محلاتی خواستند که با صدور فتوایی هر نوع خریدوفروش و معامله با آنان را حرام اعلام کند (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۹۳؛ حکمت، ۱۳۸۴: ۳۶۵-۳۶۶). فتوای تحریم خریدوفروش با انگلیسی‌ها توسط آیت‌الله محلاتی، به‌سرعت با استقبال کسبه و بازاریان شیراز مواجه شد و مأموران و سواران هندی برای تأمین آذوقه به شدت در تنگنا قرار گرفتند. از سوی دیگر بازاریان با هجوم به بانک شاهی در شیراز، خواستار تبدیل اسکناس‌های انگلیسی به پول مسکوک شدند و بانک دچار بحران شدیدی شد (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۶/۱۴۳۳). سفارت انگلیس که از این شرایط نگران بود، به دستور بارکلی، وزیر مختار انگلیس، هر اقدامی را برای تأمین آذوقه از سوی نیروهای انگلیس مجاز اعلام کرد. در پی آن، سربازان انگلیسی و هندی با حمله به چند مغازه در بازار وکیل، کالاهای آن را غارت کردند که این رفتار موجب خشم و اعتراض عمومی شد.

آیت‌الله محلاتی همچنان بر موضع خود پافشاری داشت و تحریم را بزرگ‌ترین دفاع ایرانیان در برابر اشغالگری بیگانه اعلام کرد. در واکنش به

(۱۳۸۵: ۱۹۲).

از سوی دیگر، تشکیل نیروی ژاندارمری در سال ۱۳۲۹ ق موجب تضعیف بیشتر موقعیت بختیاری‌ها در دولت شد. با تقویت سازمان ژاندارمری در سراسر کشور، دیگر به اردوی بی‌نظم و متجاوز بختیاری نیازی نبود. به این ترتیب، به حضور بختیاری‌ها در بدنه تشکیلات سیاسی و نظامی کشور پایان داده شد. از آن پس، خان‌های بختیاری با از دست دادن موقعیت خود، دوباره به رهبران ایلی تبدیل شدند (آوری، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۳۸؛ صفایی، ۱۳۴۶: ۲۴۸-۲۴۹).

حذف بختیاری‌ها از صحنه سیاسی به‌طور مستقیم بر ساختار قدرت در ایالت فارس تأثیر گذاشت. هم‌زمان با شروع ضعف بختیاری‌ها، قوامی‌ها مهم‌ترین تکیه‌گاه و پشتیبان خود را در مرکز از دست دادند. با انتصاب مخبرالسلطنه به‌عنوان حکمران فارس پیش‌بینی می‌شد که وی باطناً با قوامی‌ها میانه‌ای نخواهد داشت و قوامی‌ها نیز در واکنش به خبر حکمرانی مخبرالسلطنه ناخشنودی خود را اعلام کردند.

پس از ورود مخبرالسلطنه به شیراز، قوام‌الملک به منزل خود رفت و در ارگ حکومتی حاضر نشد و از شرایط جدید ناراضی بود (هدایت، ۱۳۴۴: ۲۶۸)؛ اما مخبرالسلطنه در اقدامی تاکتیکی، تصمیم گرفت در جهت ایجاد توازن قدرت در ایالت، رهبران دو اتحادیه ایلی قشقایی و خمسه را به صلح و سازش دعوت کند. مخبرالسلطنه با فرستادن نمایندگان توانست میان قوام‌الملک و صولت‌الدوله سازش ایجاد کند (تاریخ حب‌الوطن، ۴۲۸).

با شروع ضعف قوامی‌ها، سرداراحتشام نیز که در رویارویی با صولت‌الدوله شکست خورده بود،

خواندند و افکار عمومی نسبت به ناصرالملک و صمصام‌السلطنه بدبین شد. در واکنش به قبول اولتیماتوم، برخی نمایندگان اقلیت مجلس و ناراضی به‌پا خاستند و با تشکیل اجتماعات، مردم را به مقاومت در برابر دولت و روس‌ها فراخواندند (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۷/ ۱۴۷۴-۱۴۷۵).

پذیرش شرایط اولتیماتوم، موقعیت دولت را در برابر دولت‌های روس و انگلیس تضعیف و زمینه را برای اجرای عملی قرارداد ۱۹۰۷م فراهم کرد. هم‌زمان نیروهای روس به شهرهای شمالی و قشون انگلیس به نواحی جنوبی گسیل شدند. در واکنش به این شرایط مردم، علما و برخی گروه‌های سیاسی با طرح تحریم کالاها و روس و انگلیس بر ایستادگی در مقابل اشغالگران پای فشردند.

کابینه صمصام‌السلطنه از زمان اولتیماتوم روسیه دچار بحران اساسی بود و با استعفا‌های پی‌درپی وزرا روبه‌رو شد. این بحران، پس از خروج ناصرالملک، همچنان ادامه داشت. به این ترتیب، دولت به‌کلی فلج شد و امور وزارتخانه‌ها به‌حال رکود درآمد (یلغانی، ۱۳۷۶: ۲۵۴). به تدریج در افکار عمومی خشم و تنفر نسبت به عملکرد بختیاری‌ها افزایش یافت و هر جا که خان‌های بختیاری حکومت داشتند، ناراضیتی و اعتراضات علیه آنان شروع شد. به این ترتیب بختیاری‌ها در موضع ضعف قرار گرفتند. سرانجام صمصام‌السلطنه در صفر ۱۳۳۱ ناچار شد از قدرت کناره‌گیری کند. پس از آن، در حکومت علاء‌السلطنه دیگر هیچ بختیاری در دولت حضور نداشت و سرداراسعد هم مانند گذشته در کارها دخالت نمی‌کرد و خانه‌نشین شد؛ بنابراین می‌توان این زمان را به‌عنوان پایان قدرت خان‌های بختیاری در اداره کشور دانست (بهرامی کھیش‌نژاد،

در صدد تقویت متحدین (قوامی‌ها) و حذف و تضعیف رقبای سستی خود (ایلخان قشقایی) در ایالت فارس بودند. انتخاب حکام ناکارآمد و بی‌کفایت و مداخله در رقابت‌های محلی از سوی خان‌های بختیاری، سبب افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در ایالت فارس شد. رویکرد پشتیبانی از یک جناح و مقابله با گروه رقیب در ایالت فارس، واکنش‌هایی را به‌همراه داشت. تغییر مسیر راه شاهی به جره و شکل‌گیری اتحاد سرداران جنوب، واکنش‌هایی بود که در برابر تحولات و مواضع یک‌طرفه خان‌های بختیاری پدید آمد. از سوی دیگر، پس از قرارداد ۱۹۰۷ سیاست انگلیسی در بخش‌های جنوبی کشور و به‌ویژه ایالت فارس دچار تغییر و چرخش اساسی شد. آنان در صدد بودند تا با هر دستاویزی زمینه حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را افزایش دهند. افزایش تنش و ناامنی در ایالت فارس به‌ویژه راه‌های تجاری سبب شد تا انگلیسی‌ها با طرح اولتیماتوم به دولت ایران، زمینه هجوم نیروهای نظامی خود را به نواحی جنوبی فراهم کنند. در ادامه، با کاهش قدرت و نفوذ خان‌های بختیاری در دولت، میزان دخالت آنان در ایالت فارس کاهش یافت و در نتیجه ثبات و آرامش نسبی به فارس بازگشت. در مرحله دوم قدرت خان‌های بختیاری، با ابتکار دولت و انتخاب حکمران جدید، نظام‌السلطنه، تلاش‌های مؤثری برای برقراری نظم و امنیت در ایالت فارس انجام شد؛ اما شکل‌گیری کابینه بختیاری (صمصام‌السلطنه) دوباره

ناچار شد از مقام ایلخانی کناره‌گیری کند. بلافاصله مخبرالسلطنه، صولت‌الدوله را به مقام ایلخانی قشقایی منصوب کرد (هدایت، ۱۳۶۳: ۳۱۱-۳۱۲؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۸ / ۲۰۰۸). به این ترتیب، صولت‌الدوله دوباره به صحنه قدرت بازگشت و توازن قدرت میان دو اتحادیه ایلی خمسه و قشقایی به وجود آمد و در نتیجه، نظم و آرامش به فارس بازگشت.

با پایان دخالت‌های جانب‌دارانه و یک‌طرفه خان‌های بختیاری، پس از یک دوره آشوب، تعادل و آرامش به ایالت فارس بازگشت و از آن پس دیگر امکانی برای دخالت خان‌های بختیاری در مسائل فارس نبود؛ اما این آرامش، کوتاه و زودگذر بود؛ زیرا با حضور و دخالت‌های روزافزون انگلیسی‌ها در آستانه جنگ جهانی اول، دوباره فارس و بخش‌های جنوبی کشور دچار بحران و تنش‌های داخلی شد.

۷. نتیجه

مشارکت نیروهای بختیاری در فتح تهران، خان‌های ایل بختیاری را برای نخستین بار وارد بازی قدرت کرد. رسیدن به مقام وزارت، ریاست‌وزرا و فرمانداری برخی شهرهای مهم، پاداش حضور بختیاری‌ها در بازگرداندن مشروطیت بود. موقعیت خان‌های بختیاری در ساختار دولت‌های مشروطه دوم طی سه سال ونیم، فراز و فرودهایی داشت و نوسان قدرت آنان بر روند تحولات کشور، به‌ویژه ایالت فارس، تأثیر داشت. آنان در مسند قدرت به‌جای توجه به مصالح ملی، با نگاه و رویکرد ایلی

بهرامی کهپیش‌نژاد، بیژن (۱۳۸۵). «نقش بختیاری‌ها در انقلاب مشروطیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ترکمان، محمد (۱۳۷۰). *اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

حکمت، رضا (۱۳۷۹). *خاطرات سردار فاخر حکمت*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. ج ۱. تهران: نشر البرز.

حکمت، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *ره‌آورد حکمت، یادداشت‌های روزانه علی‌اصغر حکمت شیرازی*. به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی. تهران: خجسته.

دمورینی، ژ (۱۳۷۵). *عشایر فارس*. مترجم دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: دانشگاه تهران.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، تهران: فردوس.

ذوالریاستین، میرزا عبدالحسین. *تاریخ حب‌الوطن* (نسخه خطی) موجود در مرکز اسناد و کتابخانه دانشگاه تهران که دکتر محمدمصدق میرزا ابوالقاسمی در حال تصحیح و انتشار آن است.

رسولی، علی؛ شهوند، علی (۱۳۹۵). «رقابت‌های محلی در فارس و جابه‌جایی مسیر بوشهر- شیراز از راه شاهی به راه جره ۱۹۰۹-۱۹۱۲م / ۱۳۲۷-۱۳۲۹ق». *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*. شماره ۱۸، دوره ۴، ص ۳۹-۶۴.

رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۹). *فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول*. تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

روزنامه ایران نو. ش ۴۳، ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۸ق.

روزنامه استخر. ش ۱۷۶، ۱۷۷۹، ۱ خرداد ۱۳۳۸ش.

روزنامه حبل‌المتین کلکته. ش ۲۹، ۲۱ محرم ۱۳۲۹ق.

روزنامه حبل‌المتین کلکته. ش ۶۶، ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ق.

روزنامه حبل‌المتین کلکته. ش ۲، ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ق.

روزنامه مجلس. ش ۳۱، ۱۷ ذی‌فعدة ۱۳۲۸ق.

زمینه دخالت آنان را در مسائل فارس فراهم کرد. تحریکات و دخالت‌های آنان آتش جنگ و اختلاف داخلی را در شیراز شعله‌ور کرد و آشوب و اغتشاش، سراسر ایالت را فرا گرفت. سرانجام بحران امنیتی و جنگ داخلی در شیراز، دستاویزی شد تا انگلیسی‌ها به آن بهانه، نیروهای نظامی خود را به ایالت فارس وارد کنند که با مقاومت مردم و علمای فارس روبه‌رو شد. با پایان حضور خان‌های بختیاری در قدرت و حذف آنان از صحنه سیاسی، دوباره آرامش نسبی و توازن قدرت میان نیروهای سیاسی فارس پدید آمد. به این ترتیب می‌توان میان نوسان قدرت خان‌های بختیاری در مشروطه دوم، به‌عنوان متغیری اثرگذار و تحولات فارس در این مقطع زمانی، رابطه و نسبتی روشن پیدا کرد.

منابع

ابرینگ، پیر (۱۳۹۳). *کوچ‌نشینان قشقایی فارس*. ترجمه فرهاد طیبی پور. تهران: پردیس دانش.

اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۷۹). *رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه زندگی سیاسی*. ویراستار مصطفی

زمانی‌نیا، تهران: نشر تاریخ ایران.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، کارتن ۲۸، پرونده ۱؛ کارتن ۲۸، پرونده ۲۷؛ کارتن ۲۹، پرونده ۲۸؛ کارتن ۲۹، پرونده ۴۵.

استخر، محمدحسین (۱۳۸۸). *خاطرات پیر روشن‌ضمیر از مشروطه تا پهلوی*. به کوشش مسعود

شفیعی سروستانی. شیراز: آوند اندیشه.

آوری، پیتیر (۱۳۷۹). *تاریخ معاصر ایران*. مترجم محمد رفیع‌آبادی. ج ۱. تهران: عطایی.

- روزنامه مجلس. ش ۱۰، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ق. تهران: سخن.
- روزنامه یادگار جنوب. ش ۱۷، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ق. زنگنه، حسن (۱۳۸۶). *مشروطیت جنوب ایران به روایت گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۰۵-۱۹۱۵م/۱۳۲۳-۱۳۳۳ق.* تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی بوشهر.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۶/۷۱۱۲؛ ۲۴۰/۱۸۰۵۷
- شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار.* به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۶). *رهبران مشروطه.* بی‌جا: جاویدان.
- کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امر خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران. (۱۳۶۲). به کوشش احمد بشیری. تهران: نشر نو.
- کتاب نارنجی، اسناد وزارت خارجه (روسیه تزاری) درباره رویدادهای انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۸).
- ترجمه پروین منزوی. تهران: نشر پرواز.
- گارتویت، جین راف (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری با استفاده از اسناد منتشرنشده وزارت امور خارجه انگلیس.* ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سپند.
- مرادی خلیج، محمدمهدی (۱۳۹۷). *نماینده‌گی و نمایندگان مجلس شورای ملی در شش دوره قانون‌گذاری پهلوی، خاطرات سید ابوالحسن رضوی.* قم: بوستان کتاب.
- مشروح مذاکرات مجلس دوم. جلسه ۴۳. ۱۳ محرم ۱۳۲۸ق.
- مشروح مذاکرات مجلس دوم. جلسه ۱۴۴. ۱۳ رمضان ۱۳۲۸ق.
- مشروح مذاکرات مجلس دوم. جلسه ۲۳۸، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ق.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران.*
- میرزاابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۹۶). *سفرنامه مسافر مجهول (شرح حال سید شرفه در وقایع مشروطه فارس).* تهران: انتشارات مجلس.
- ناصرالملک، ابوالقاسم؛ آقاایروانی، محمد (۱۳۸۰). *دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران.* به کوشش دکتر عبدالحسین زرین‌کوب و روزبه زرین‌کوب. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- نصیری طیبی، منصور (۱۳۸۹). *اسناد فارس در دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی.* تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نصیری طیبی، منصور (۱۳۸۴). *ایالت فارس و قدرتهای خارجی از مشروطیت تا سلطنت رضا شاه.* تهران: مرکز اسناد خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
- نیر، شیخ‌عبدالرسول (۱۳۸۱). *تحفه نیر.* تصحیح محمدیوسف نیری، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۶). *اسناد و مکاتبات حاج سید عبدالحسین لاری.* تهران: مؤسسه تحقیقاتی و توسعه علوم انسانی.
- ویلسون، سرآنولد (۱۳۱۰). *خلیج فارس، مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی از قدیمی‌ترین ازمه تا اوایل قرن بیستم.* تهران: فرهومند.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه (۱۳۶۳). *گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت.* به کوشش محمدعلی صوتی. تهران: نشر نقره.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات.* تهران: زوار.
- یادداشت‌های معین دفتر، نسخه خطی به قلم میرزا نصرالله قهرمانی، منشی صولت‌الدوله (نزد استاد کاوه بیات).
- یلفانی، رامین (۱۳۷۶). *زندگانی سیاسی ناصرالملک.* تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.